

درباره یک وام عجیب، وقتی در شهر نشسته ایم و برای روستا تصمیم می‌گیریم

به نام روستا به کام ویلا



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

مجید جودی، معاون امور مسکن روستایی بنیاد مسکن روز یکشنبه در مراسم افتتاح راه روستایی مشهدی کلای بابل در جمع خبرنگاران درباره افرادی که واجد شرایط دریافت مسکن در طرح نهضت ملی بوده و علاقه مند مهاجرت به روستا باشند، گفته بود: «وام سه هزار و ۵۰۰ میلیون ریالی با کارمزد پنج درصد و زمان بازپرداخت ۲۰ ساله دریافت می‌کنند. در طرح نهضت ملی مسکن در شهرها وام پنج هزار و ۵۰۰ میلیون ریالی با کارمزد ۱۸ درصد پرداخت خواهد شد که پیش بینی ما آن است متقاضیان، طرح وام مسکن روستایی را ترجیح دهند.»
شاید طرح تک خطی این ایده، طرح مثبتی باشد و خیلی از ما علاقه داشته باشیم که برای فرار از درد و ترافیک و ازدحام کلانشهرها به روستاها پناه ببریم، اما همین که به جزئیات این طرح بیندیشیم، سریعا از خودمان می‌پرسیم: «پس کارم چه می‌شود؟ خانواده، دوستان و دسترس‌ی‌ام به امکانات چه؟»
اصلاحی‌که در دل امکانات شهری زندگی کرده، می‌تواند در روستایی با کمترین امکانات شهروندی، از آب گرفته تا جاده و مدرسه، زندگی کند؟ به نظر می‌رسد که این طرح بنیاد مسکن دقیقا یک ایده یک خطی بود و کسی نرسیده است اگر وام برای تسهیل مهاجرت به روستا ارائه شود، پس برنامه برای اشتغال افراد چیست؟ اگر این موضوع را کنار بگذاریم، باگ این طرح اما حتی از اشتغال افراد و مهاجران شهر به روستاها هم بیشتر است. به نظر می‌رسد که این طرح بیش از اینکه به نفع افراد بدون خانه باشد، اتفاقا به نفع افرادی است که صاحب خانه هستند؛ چراکه احتمال افزایش ویلاسازی در روستاها و مکان‌های خوش آب و هوای کشور وجود دارد و افراد برای ویلاق در فصل‌های گرم، از ویلاها و برج‌های روستایی شان استفاده خواهند کرد. از این گذشته حتی اگر ویلاسازی هم صورت نگیرد؛ بالاخره معماری و نمای خانه‌های شهری با روستایی متفاوت است و یک خانواده شهری با مهاجرت به روستا، با معماری شهری در روستاخانه خواهند ساخت. آن وقت چه بر سر بافت روستایی بکر روستاهای ایران خواهد آمد؟ نتیجه چیزی به جز برهم زدن اصالت و هویت روستایی از طریق خانه‌های پر زرق و برق جدید نخواهد بود.

براساس پژوهشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، از تاریخ ۱۳ شهریور ۹۶ تا تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۰ در مجموع ۱۷۹ شهر با پیشنهاد وزارت کشور و هیات وزیران در کشور ایجاد شده است. همین آمار به تنهایی نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌هایی که اکنون درحال اعمال است، با تئوری‌ها و طرح‌های اولیه‌ای مانند مهاجرت معکوس به روستاها در تضاد است؛ چراکه اگر هدف این بود که مردم از شهرها به روستاها مهاجرت کنند، در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی کشور بر تعداد شهرها افزوده نمی‌شد و هویت روستایی را در همان شکل و سیاق و قالب اصیلش باقی می‌گذاشتیم. بهزاد عمرانی، مسئول اندیشکده شهر ایرانی – اسلامی عنوان می‌کند که جزئیات بیشتری از این طرح در دسترس نیست و معمولا شروط آن مانند طرح ملی مسکن است. او می‌گوید: باید دید که پشتوانه مطالعاتی این طرح چیست و کدام اندیشکده و پژوهشکده آن را ارائه کرده است؟ ما در بحث مسکن شهری و روستایی، حدود ۶۰ الی ۷۰ سال است که با مساله مسکن مواجه هستیم. مثلا در بحث توسعه مسکن روستایی، بر چه مبنایی از سیاست‌های قدیمی به چنین هدف و سیاستی رسیده‌اند؟ این طرح قرار است برای روستا اجرايي شود. ما باید ببینیم که اساسا طرحی برای توسعه روستاها و مساله مسکن آن داریم؟ اگر برنامه داریم، این ایده به عنوان یک ایده چه تاثیری روی برنامه و اهداف قبلی ما داشته باشد؟ اگر برنامه و طرحی نداریم، اساسا چه تاثیری در مساله پیشرفت و پسرفت روستا از حیث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد؟ اینها ابهاماتی است که باید پاسخ داده شود.»

مشکل مسکن در روستاها صوری است

عمرانی تأکید دارد که ما همچنان شهر محور فکر می‌کنیم و شهر محور تصمیم می‌گیریم و شهر محور هم عمل می‌کنیم؛ چرا که تمرکز اطلاعات و داده‌ها در شهرهاست. «از آنجایی که تمرکز تصمیم روی شهرهاست، در نهایت هم تمرکز اداراتی، جمعیتی و… هم بر شهرها منتج می‌شود. همه چیز در شهرها رقم می‌خورد. درحالی‌که باید منطق توسعه ما نه شهر محور و نه روستا محور باشد، بلکه باید انسان محور و عدالت محور باشد.»

او معتقد است ما اکنون در شهرهایمان با مشکل کمبود مسکن و کمبود زمین مواجه هستیم؛ هرچند تأکید دارد که این مشکلات صوری است و مشکل اصلی تصمیمات و نبود ایده برای حوزه مسکن و زمین است. عمرانی می‌گوید: «آیا این دلیل می‌شود که وقتی ما مشکل مسکن در شهرها داریم، حل مشکل را به روستاها ببریم؟ پس خود روستا و تبعات اجتماعی و فرهنگی روستا چه می‌شود؟ به نظر من، ما در طرح‌های اینچنینی روستاها را نمی‌بینیم و در شهرها می‌نشینیم و برای روستاها تصمیم می‌گیریم.»

خطر تبدیل کاربری زمین‌های روستا

عمرانی درباره پیامد مهاجرت معکوس ذیل این طرح نیز عنوان می‌کند: «پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خودش را دارد. از منظر اقتصادی، احتمال می‌دهم که چنین طرح‌هایی تأثیر منفی بر زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری مسکونی داشته باشد. بر همین میزان نیز ممکن است بر تولید، کشاورزی و اقتصاد خود روستا نیز اثر منفی داشته باشد. اقتصاد روستا زمین محور و طبیعت محور است. وقتی زمین را از کاربری کشاورزی یا دامداری به کاربری مسکونی تغییر می‌دهیم، به همان میزان

ظرفیت اقتصادی روستا را کاهش داده‌ایم. سال‌ها روستاها در کشورمان خودکفا بودند و به دلیل سیاست‌هایی از این دست، روستاها را به روستاهای وابسته تبدیل کرده‌ایم.»

سیاست‌های کلان فرهنگی در حوزه روستا یک درصد بهبود یافته است

این کارشناس برنامه‌ریزی شهری معتقد است برای چنین طرح‌هایی، درست اندیشیده نشده است. وی در بررسی وجهه اجتماعی و فرهنگی مهاجرت معکوس و طرح تسهیلات برای مهاجرت معکوس می‌گوید: «تصویر موجود از روستا تا پیش از انقلاب اسلامی این بود که روستا آخر دنیاست و روستایی بودن مترادف بود با مشقت و سختی. این تصویر کلان از روستا بود؛ چراکه سیاست‌های مدیریت از بالا بود، شهر هم نماد جهان مدرن بود. چه اتفاقی افتاد؟ توجه حاکمیت روی شهرها بود و روستاها عملا به حاشیه رفته بودند؛ چراکه شهرها نماد پیشرفت جهان مدرن و روستاها نماد عقب‌ماندگی دنیای سنتی، پس از انقلاب اتفاقات زیادی در حوزه زیرساخت روستاها افتاده است، اما توسعه فرهنگی همچنان مورد احترام بوده و مرفه بودن را مترادف کرده‌ایم با شهری بودن و شهری شدن. سیاست‌های کلان فرهنگی در حوزه روستاها نهایتا یک درصد نسبت به پیش از انقلاب اسلامی بهبود یافته است. در نتیجه تصویر کلان روستا تبدیل به مکان خوش آب و هوایی شده که مناسب اوقات فراغت است.» عمرانی ادامه می‌دهد: «این درحالی است که متناسب با سیاست‌های اصیل انقلاب اسلامی روستا، محور تولید است. باید روی ویژگی‌های رفتاری روستائیان مانند سخت‌کوشی و همدلی که وجه تمایزشان است، توجه و تأکید می‌کردیم. اکنون با مهندسی تصنعی شهری می‌خواهیم فرآیند شهری شدن روستا را رقم بزنیم، درحالی‌که دوباره مردم روستا به ویژگی‌های شهری سوق داده می‌شوند و از این نظر تأثیر منفی می‌گذاریم.»

روستا طفیلی شهر نیست

عمرانی همچنین تصریح می‌کند که بر اثر این طرح، معدود بازنشسته‌هایی که می‌خواهند دوران بازنشستگی خود را در یک محیط آرام بگذرانند، احتمالا از این طرح استقبال کنند؛ اما در عمل همین افراد به سراغ خانه دوم رفته‌اند. افرادی که در شهر زندگی می‌کنند، همه روابط اجتماعی و کاری‌شان در شهر محل سکونت‌شان تعریف می‌شود و یک شبه با تسهیلاتی نمی‌توان تمام روابط اجتماعی و زندگی را متوقف کرد. همین امر باعث ایجاد خانه‌هایی می‌شود که در طول سال‌های هستند و معمولا برای گذراندن اوقات فراغت مورد استفاده قرار می‌گیرند. این طرح به حل مشکل مسکن کمک نمی‌کند. عمرانی در پایان تأکید می‌کند روستا یک زیست‌بوم مستقل است و طفیلی شهر نیست و روستاها شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خودشان را دارند. ما نمی‌توان در جای دیگری بنشینیم و با منطق دیگری برای اتفاقاتی از این دست تصمیم بگیریم.

فرصت زندگی در ایران متناسب و متوازن نیست

ذیل این طرح، مساله مهاجرت معکوس نیز مطرح می‌شود. در چند سال اخیر این لفظ را شاید به کرات شنیده و افرادی را هم دیده‌اید که خانه و زندگی‌شان را در شهر رها و به روستاها مهاجرت کرده‌اند. اما چقدر این مهاجرت معکوس پایبند به اصول شهروندی است و چقدر از این مساله، مرتبط با شرایط اقتصادی و معیشتی مردم است؟ و اساسا چقدر از وضعیت عرضه مسکن متناسب با بازار و تقاضای آن است؟ مسعود فراhani، کارشناس اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس از مساله کلی مهاجرت‌های معکوس یاد می‌کند و می‌گوید که سیاستگذاران تلاش می‌کنند که از طریق تمهیدات ساکنان مهاجر شهرها را به زادگاه‌شان بازگردانند. «کلیت این دست از طرح‌ها تبعیض‌آمیز محسوب می‌شوند؛ چراکه حقوق پایه شهروندی را مشروط به سابقه سکونت کرده‌اند و علاقه‌فرصت‌های زندگی در ایران به صورت متوازن توزیع نشده است. وقتی حقوق شهروندی مانند دریافت وام ودیعه مسکن یا ثبت‌نام در نهضت ملی مسکن مرتبط با سابقه سکونت شده است؛ برای همین عمل‌تبعیض‌آمیز محسوب می‌شوند. حال‌اینکه یک دسته تمهیدات به خانوارهایی که قصد مهاجرت دارند ارائه شود؛ بستگی به این دارد که این بسته حمایتی چگونه ارائه شود. ما سامانه جامعی نداریم که ببینیم این افراد آیا مسکن ملکی دارند یا نه، تا در صورت اعطای تسهیلات دوم، شناسایی شوند. برای همین عملا به جای اینکه مالک‌نشین‌گستری باشد، یعنی مسکن اولی‌ها صاحب مسکن شوند در این طرح چندمالکی به وجود می‌آید.»

این طرح بافت روستایی ایران را تباه می‌کند

او در توضیح این سخنش می‌گوید که مالکانی پیدا می‌شوند که در شهر محل سکونت‌شان یک مسکن دارند و در شهر زادگاه‌شان یک مسکن دیگر دارند و عملا از این‌خانه‌ها هیچ استفاده مصرفی نمی‌کنند و یک‌گونه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. او ادامه داد: «این طرح هم بافت روستایی ایران را تباه می‌کند. شاید این کلمه تند و تیز باشد، واقعیت این است که مسکن روستایی ارزش مصرفی دارد ولی وقتی جریانی درست کنید که امکان تقاضای مسکن روستایی فراهم می‌شود؛ عملا بافت روستاهای کشور را تغییر می‌دهید. همچنین نکته مهم هم این است که اکنون بازار مسکن در کل کشور به خصوص در کلانشهرها به دلیل نبود نظارت؛ هرچند امکان ساخت و ساز وجود دارد اما اجباری برای استفاده مصرفی برای آنها وجود ندارد، یعنی امکان دارد که تا یک سال آینده ما یک میلیون واحد مسکونی در تهران بسازیم اما هیچ تضمینی وجود ندارد که این واحدها به بازار عرضه

شوند یا خود مردم در آن واحدها ساکن شوند. برای همین طرح‌هایی از این دست آن‌گونه که باید، موفقیت‌آمیز نیستند.»

مهاجرت از روستاها به شهرها امری اجتناب‌ناپذیر است

فراهانی معتقد است که توسعه جغرافیایی در ایران نامتوازن است. او تصریح می‌کند: «به همان نسبت دسترسی به فرصت‌های زندگی نیز در ایران نامتوازن است. برای همین مهاجرت برای بسیاری از شهروندان ایرانی به کلانشهرهای ایران اجتناب‌ناپذیر است. وقتی دولت عملا سازوکاری تعریف می‌کند که مهاجران به نوعی اجبارا جابه‌جا شوند از برخی حقوق شهروندی هدف مهاجرت محروم می‌شوند و این در نوع خود تبعیض نظام‌مند محسوب می‌شود، یعنی دولت نسبت به برخی شهروندانش تبعیض اعمال می‌کند صرف‌اینکه در آن شهر سابقه سکونت ندارند. مثلا دانشجو یا کارگری به تهران مهاجرت کرده و اکنون می‌خواهد در نهضت ملی مسکن ثبت‌نام کند. برای این امر از او پنج سال سابقه سکونت می‌خواهند. سابقه سکونت هم به شکلی تعریف شده که قرارداد استیجاری قابل قبول نیست و حتما باید یک نهاد خاص برای آن فرد بیمه رد کرده باشد. این امر تبعیض‌آمیز محسوب می‌شود. در کنار آن یک ملاحظات جدی وجود دارد. اینکه این سیاست‌ها نباید مشوق مهاجرت باشند، یعنی عملا اگر برخی از شهرها سازوکاری برای کاهش مهاجرت نداشته باشند، تقاضا برای آن شهرها زیاد می‌شود و افزایش قیمت مسکن خواهیم داشت.»

سیاست‌های حوزه مسکن تبعیض‌آمیزند

فراهانی تأکید می‌کند که کاهش تقاضای مهاجرت امر ساده‌ای نیست که بتوان از طریق سیاستگذاری آن را دنبال کرد. او می‌گوید: «این سیاست‌هایی که تا به امروز اجرا شده‌اند نیز تبعیض‌آمیز محسوب می‌شوند. مثلا کاره‌ای می‌توانستند انجام دهند این بود که تأمین مسکن گروه‌های مهاجر منوط شود به تأمین اشتغال آن گروه‌ها؛ دولت شرط کند که اگر در سه سال یک مهاجر بتواند برای خودش اشتغال تأمین کند به او تسهیلات بلاعوض چندساله دهد.» اینکه دولت هیچ کمکی به افراد نکند و بعد افراد را هم از یک امر محروم کند، این وجه تبعیض‌آمیز ماجراست.»

تلاش سیاستگذار برای افزایش تعداد مسکن اما بدون برنامه

او همچنین درباره سیاست افزایش شهرها هم می‌گوید: «اصل ماجرا این است که جمعیت در ایران افزایش کرده، دوره‌ای کاهش پیدا کرده بود اما اتفاقی در این بین افتاده بود. این اتفاق این است که ترکیب خانوار در ایران تغییر کرده است. عملا در کشور خانوارهای تک‌نفره بسیاری داریم. با کاهش جمعیت و سرعت افزایش جمعیت تقاضا بسیار شده است؛ چرا که خانوارهای تک‌نفره زیاد شده‌اند. درحالی‌که خانوارها پیش از این چندنفره بودند. این خانوارهای تک‌نفره در شهرهای مختلف تقاضای مسکن بسیار زیادی دارند. اینکه سیاستگذاری مسکن در شهرهای ایران متمایز شود.

پیش از این تحقیق به عمل آمده بود که ما در پهنه سرتزمین ایران چه نوع مسکنی نیاز داریم. قرار بود این مسکن‌ها از طریق سازوکارهای دولتی ساخته شوند. این طرح به‌طور کل کنار گذاشته شد. اکنون ما مطلق ساخت‌وساز را داریم. سیاستگذار تلاش می‌کند که ساخت‌وساز را در هر شکل مسکن و بدون هیچ برنامه‌ای بیشتر کند. اندازه واحدهای مسکونی نوع استفاده واحدها مشخص نیست. مثلا ممکن است در تهران ۵۰۰ واحد راجر مسکونی ساخته شود اما چون نوع استفاده از این واحدها مشخص نیست هر مدل استفاده‌ای از آن می‌شود.»

خطر افزایش سوداگری در روستاها

فراهانی تصریح می‌کند که همین مشخص نبودن مدل استفاده از مسکن ساخته نشده باعث می‌شود وقتی ساخت‌وساز اتفاق بیفتد، کمک جدی به خانوارهای بدون مسکن نکند. این پژوهشگر اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح افزایش خانه‌ها در روستاها مثالی می‌زند و می‌گوید چنین طرحی باعث افزایش سوداگری درخصوص قیمت زمین‌های روستایی است. فراهانی ادامه می‌دهد: «این اتفاق در شهرها هم به وقوع می‌پیوندد. وقتی می‌خواهیم شهرها را توسعه جغرافیایی دهیم زمین‌های اطراف کلانشهرها ارزش‌شان بیشتر می‌شود و پس از آن تقاضای سوداگران برای همه این زمین‌ها هم بیشتر می‌شود. متناسب با آن زمین‌های داخل شهر هم ارزش‌شان بالاتر می‌رود. این یک دورباطلی است. سازوکار اصلی این است که شهر از هسته اصلی خود توسعه پیدا کند. مثلا نوسازی بافت‌های فرسوده از منظری مهم بود اما ایرادش این است که وقتی نوسازی انجام می‌شود به قیمت بازار عرضه می‌شود. این هم هیچ کمکی به ما جرا نمی‌کند.» فراهانی همچنین درباره طرح‌های مثبت مهاجرت معکوس می‌گوید: «همه طرح‌ها تا حدی موفق بودند و روی گروه‌های مختلف پاسخ مثبتی گرفته‌اند. اما وقتی می‌گویم ناموفقند، یعنی گروه‌های هدف خودشان را پوشش نمی‌دهند. مثلا کسی ادعا می‌کند که مسکن مهر برای دهک‌های یک تا چهار بود اما در بررسی متوجه می‌شویم که این طرح معطوف به آن دهک‌ها نبود. از این منظر طرح‌ها ناموفق هستند. درباره روستاها نیز مثلا گفته می‌شود که ساخت‌وساز برای بومیان روستاهاست. اینکه بومیان یک روستا چگونه تعریف می‌شوند می‌تواند تمام طرح را تحت الشعاع قرار دهد. گاهی اوقات سیاست‌هایی از این دست کل طرح را زیر سوال می‌برد اما وقتی اجرا می‌شوند شاید بسیاری از شهروندان از آن نفع ببرند.»

اسمش را بگذارید طرح حمایت از ویلاسازی در روستاها!



هومن جعفری خبرنگار

هر چند وقت یک بار طرحی منتشر می‌شود برای حل کردن مشکلات مملکت و طبیعتا هم اثربخش نیست. چرا؟ دلیلش این است که طرح‌ها، از سرشکم سیری طرحی می‌شوند نه از سرحل مشکل! نمونه که زیاد است اما آخرینش همین که روز پیش توسط مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان یزد مطرح شد و از اعطای تسهیلات ۳۵۰ میلیون تومانی ساخت مسکن به واجدان شرایطی خبر داد که به روستاها مهاجرت کنند!

بیا بید اول صورت مساله را با هم بررسی کنیم.

۱ فرض کنیم که مردمانی باشند که با ۳۵۰ میلیون تومان وام به روستا برگردند! عملا با این رقم می‌خواهند چه کنند؟ خانه بسازند؟ می‌شود؟ فرض کنیم روستایی باشد اقدر از آن که ساخت مسکن در آن دقیقا ۳۵۰ میلیون تومان آب بخورد؛ بیشتر هم نه. قبول! حالا آدمی که به روستایی مهاجرت کرده و توانسته آنجا خانه‌ای بسازد که باید ۲۰ ساله پولش را برگرداند، چگونه باید زندگی کند؟ کاری برایش هست؟ آیا سرمایه‌ای دارد که بتواند زمین کشاورزی بخرد؟ به فرض موجود بودن آبی هم تهیه کند که برای آجاره کردن هر ساعتش باید کلی پول نقد داد، عزیزان به این فکر کرده‌اند که فرد به روستا مهاجرت کرده، آنجا چطور باید زندگی کند؟ کشاورزی؟ روی کدام زمین؟ با کدام آب و امکانات؟

۲ حالا فرض کنیم با درحقیقت فرض نکنیم بلکه مطمئن باشیم این پول حتی برای خرید یا ساخت خانه هم کفایت نمی‌کند، شما انتظار دارید یک خانواده از شهر به روستا برگردند، یک وام سنگین روی دست‌شان بماند و یک خانه نیمه‌کاره و بعد بمانند و توی سرشان بزنند که این چه غلطی بود کردیم؟ چطور می‌کار کنیم؟ چطور پول در بیاوریم و چطور ی خانه نیمه‌کاره را به سرانجام برسانیم؟ آیا روستایی‌که قزار است به آن مهاجرت کنیم، جذابیت اقتصادی خاصی دارد که نه‌تنها باعث مناسب بودن وضع زندگی روستائیان شود بلکه این جاذبه را ایجاد کند که من و شما این شهر و هوای آلوده را رها کنیم و به آنجا پناه ببریم و کسی هم راه بیندازیم و چرخ‌مان از امروز، بهتر بچرخد؟

۳ آیا مساله آنها که روستا را ترک می‌کنند و برای گذران زندگی به شهرهای دیگر پناه می‌برند این است که توان خریدن خانه‌ای به اندازه ۳۵۰ میلیون تومان را نداشته‌اند؟ با دقت به این سوال فکر کنید. چرامرد روستای خودشان را رها می‌کنند و به امید آینده‌ای بهتر به شهرها مهاجرت می‌کنند؟ دلیلش این است که آنجا خانه‌ای ندارند؟ دلیلش خانه و ۳۵۰ میلیون نیست! دلیل در این است که روستا، آینده اقتصادی جذابی ندارد و به همین دلیل است که می‌بینیم مهاجرت افزایش پیدا کرده. چاروستا آینده اقتصادی ندارد؟ اولین دلیل به آب برمی‌گردد که کمتر از همیشه است. دلیل دوم؟ بگیر نگرهای دولتی. وقتی شما روستایی را حمایت نمی‌کنی، تکلیف کشت گندم یا برنجش را مشخص نمی‌کنی، از دامدار روستایی گوشوشش را نمی‌خری یا قدرت خرید مردم را طوری پایین می‌آوری که سرانه مصرف خرید گوشت کاهش یابد، آینده اقتصادی روستا را با تردید و سردرگمی مواجه می‌کنی، بعد انتظار داری مردم با رقم خرید یک ماشین دست‌دوم حاضر شوند به روستا برگردند؟ آنجا برگردند که چه کنند؟ منتظر باشند ببینند باران می‌آید یا نه؟ که خرید تضمینی گندم وضعیتش سرقت مشخص می‌شود یا عملا یک ماه دیرتر؟ خنده‌تان نمی‌گردد؟ اصلا در روستا زندگی کرده‌اید و معادلات زندگی روستایی را می‌فهمید که این رقم خنده‌دار را پیشنهاد کرده‌اید؟

۴ روستا یک بافت فرهنگی مشخص دارد. درست که بافت جمعیتی اش با مشکل مواجه شده و مهاجرت‌های نسل جوان، کمی اوضاع جمعیتی روستاها را از توازن خارج کرده اما بافت سنتی و فرهنگی تا اندازه‌ای دست‌نخورده باقی مانده. این طرح فقط برای آنهایی خوب است که می‌خواهند با کمک هزینه دولتی در روستا ویلادار شوند! فرض کنید زمینی در روستایی خریده‌اید و توان ساخت ویلا داخلش را ندارید. خوب به لطف این وام می‌توانید یک ویلا مسکب به صورت موقت بسازید و هفته‌ای یکی دوبار هم به آن سر بزنید و ترفی و افزایش قیمت زمین و ویلاي خود را شاهد باشید تا بعد که دوباره یکی از این اساتید، به شیوه پرفسور بالتازار چنین طرحی را ارائه کند و شما بتوانید یک طبقه دیگر به ویلایتان اضافه کنید!اینکه بافت فرهنگی روستا نابود می‌شود و عزیزان شهری برای گرفتن پارتی‌های آخر هفته خود به ویلاهای وام‌دارشان سر بزنند هم ظاهرا اصلا مهم نیست؛ هست اما نه برای عزیزان در بنیاد مسکن!

۵ می‌خواهید روستاها را آباد کنید؟ به روستائیان وام و امکانات بد هید. جاده‌ها و مدارس و بیمارستان‌هایشان را تقویت کنید و برایشان شرایطی را لحاظ کنید که برای هر چیز ساده‌ای مجبور به رفتن به شهر نشوند. راه نجات زندگی روستایی، اضافه کردن آدم‌های شلوارک‌پوش شهری در محیط ویلایی آنجا نیست که جوج و نوشابه بزنند و صدای ضبط راز زیاد کنند! راهش را باید در تقویت امکانات روستا و افزایش جذابیت‌های زندگی در آن و باثبات کردن مجدد زندگی اقتصادی روستایی یافت. کاری کنید کشاورز نگران قیمت گندم و برنج و جای نباشد و بداند دولت همیشه از او حمایت می‌کند؛ روستاها خالی از سکنه نخواهند ماند.

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

پنجشنبه ۹ آذر ۱۴۰۲

شماره ۴۰۲۱

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

۷